

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نتایج حرام خواری

تهیه کننده: شیخ عبداللہ بن سعد الفالح

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: نتایج حرام‌خواری

مؤلف: شیخ عبدالله بن سعد الفالح

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
کامل بودن دین اسلام و در برگیرندگی آن،	۴
برای تمامی امور	۴
نتایج حرام خواری	۱۰
ترس پیشینیان و برحذر داشتن آنها از خوردن چیزهای حرام، حتی اگر در حرام بودن آنها شک وجود داشته باشد:	۲۴
تأویل نمودن و کلاه شرعی برای خوردن حرام	۲۹
چگونه می توان از مال حرام راحت شد	۴۴
و به سوی الله ﷻ توبه نمود؟	۴۴

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

شکر و ستایش برای الله تعالی است که خرید و فروش را حلال نموده است و ربا خواری را حرام کرده است. او سبحانه و تعالی را شکر می‌نمایم و با تمامی خیرها او را ستایش می‌نمایم و صلوات و سلام می‌فرستیم بر پیامبر برگزیده‌اش که بهترین و پاکترین مخلوقات بوده است و از تمامی امت، از الله تعالی بیشتر می‌ترسید و پرهیزگارترین آنها بود؛ حلال را روشن نموده است و به آن تشویق کرده است و حرام را واضح نموده است و از آن برحذر داشته است و برای ما چیزی را حجت قرار داده است که شب آن به مانند روز روشن است و کسی از آن انحراف نمی‌یابد، مگر آن که هلاک می‌شود.

اما بعد: عده‌ی زیادی از مسلمانان در این زمان در

خودداری از امور حرام کوتاهی می‌کنند، در آن گرفتار می‌شوند و در آن به رقابت می‌پردازند؛ مخصوصاً در امور مالی؛ هر چیزی که در دست آنها باشد، آن را حلال می‌دانند، حتی اگر حرام بودن آن واضح باشد و شکی در آن وجود نداشته باشد و با تأویل‌های غلط این امر را تأویل می‌کنند و آن را نیکو می‌دانند و این امر چیزی نمی‌باشد، جز آن که حرام بودن را زیاد می‌کند و تاریکی نمی‌باشد، جز آن که قلب را کور می‌نماید و توسط آن، شیطان آنها را وارد عذاب جهنم می‌کند و دوست داشتن دنیا را برای آنها باقی می‌گذارد و همچنین برای آنها تبعیت از هوای نفس را که نتیجه‌ی ضعف ایمان و کم بودن امانت داری است را [زیبا جلوه می‌دهد]. کسی تعجب نمی‌کند که هر روزه شخصی را ببیند که با رذالت کامل و پُرویی، دین و امانت خود را به کالای اندک دنیوی می‌فروشد و این در حالی است که تعداد این چنین افرادی زیاد می‌باشند.

در نتیجه مطلبی مختصر و آسان را به اذن الله تعالی

نوشته‌ام تا نتایج خوردن چیزهای حرام و پایان بد آن را در دنیا و آخرت آشکار نمایم و بعضی از نیکو جلوه دادنهای بدی‌ها و کلاه شرعی‌های آنها را بیان داشته‌ام و بعد از آن چگونگی راحت شدن از آن مالهای حرام را برای کسی که الله تعالی نوری در قلبش قرار داده است و به او توفیق توبه-ی نصوح داده است را بیان داشته‌ام. این موضوع طولانی است و دریا طوفانی، ولی آن را مختصر و آسان آورده‌ام تا چاپ و خواندن آن آسان گردد، چه بسا که بازدارنده‌ای برای کسانی که اثری از ایمان و شعله‌ی کوچکی از نور بصیرت در آنها وجود دارد، باشد و توسط آن حقیقت را ببینند.

از الله ﷻ درخواست داریم که به نویسنده‌ی و خواننده‌ای آن منفعتی برسد.

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ

بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ [الشعراء: ۸۸، ۸۹] (روزی که مال و فرزندان سود نمی‌دهد * مگر کسی [از عذاب نجات پیدا می‌کند که] با قلب سالم به نزد الله بیاید).

کامل بودن دین اسلام و در برگیرندگی آن، برای تمامی امور

الله تعالی نعمت را برای ما تمام فرموده است و دین را برای ما کامل نموده است و برای ما دینی کامل را قرار داده است که تمامی امور زندگی را در بر می‌گیرد و توسط آن الله تعالی ضروریات پنجگانه‌ی ما را حفظ می‌فرماید: دین، عقل، ناموس، جان و مال.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳] (امروز دین شما را بر شما کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و برای شما به دین اسلام راضی شدم). همان گونه که در اسلام قوانینی برای عبادت وجود دارد، قوانینی برای معاملات نیز وجود دارد. در فقه اسلامی قسمتی برای عبادات وجود دارد و قسمتی برای معاملات و توسط آن فقهاء رحمهم الله حلال و حرام، مشروع و ممنوع را بیان نموده‌اند. در قسمت عبادات، امر و نهی، وعده و وعید،

ترساندن و باز داشتن وجود دارد و این چنین است در معاملات؛ در آنها حلال و حرام وجود دارد و در پس آن پاداش و مجازات بزرگی در آخرت وجود دارد و درباره‌ی آن ترساندن شدیدی وجود دارد، ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [البقرة: ۲۷۵] (و الله خرید و فروش را حلال نموده است و رباخواری را حرام کرده است)؛ به کسب نمودن مال مباح تشویق نموده است و آن را قسمتی از دین قرار داده است، همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ [المؤمنون: ۵۱] (ای رسولان از پاکی‌ها بخورید و عمل صالح انجام دهید). همچنین در حق مؤمنان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ [البقرة: ۱۷۲] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکی‌هایی که به شما روزی داده‌ایم، بخورید!)، امام احمد رحمه الله گفته است: «خوردن قسمتی از دین است». و به این دو آیه استناد نموده است.

بر مسلمان واجب است که از الله تعالی بترسد و او را

مراقب رفتار خود ببیند، در هنگامی که در مسجد است و نماز می‌خواند و دعا می‌کند یا در محل تجارت یا کارخانه-اش است و یا وقتی که پشت میز اداره است، از الله خشیه داشته باشد و بترسد و به دنبال حلال باشد و برای امت خیرخواهی نماید، پیامبر ﷺ فرموده است: «اتق الله حیثما كنت ...» (از الله تقوا پیشه کن! هر کجا که بودی...) اِترمذی آن را روایت کرده است.

از تمام اعمال و کارهای مسلمان سوال می‌شود و در پرونده‌ی اعمالی نوشته می‌شود که عمل کوچک یا بزرگی در آن رها نمی‌شود، بلکه مورد حساب واقع می‌شود.

پیامبر ﷺ فرموده است: «لن تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يُسأل عن أربع خصال: عن عمره فيم أفناه، وعن شبابه فيم أبلاه، وعن ماله من أين اكتسبه وفيم أنفق، وعن علمه ماذا عمل فيه» (بنده در روز قیامت قدمی بر نمی‌دارد مگر آن که در آن از چهار چیز سوال می‌شود: از عمرش که در چه آن را فنا کرده است و از

جوانی‌اش که در چه از آن استفاده کرده است و از مالش که از کجا آن را بدست آورده است و در چه خرج کرده است و از علمش که چگونه به آن عمل نموده است) [طبرانی و بزار آن را روایت کرده‌اند].

ای برادر! دانستی که از تو در روز قیامت از تمامی چیزها سوال می‌شود و از آنها مال است که از کجا آن را بدست آورده‌ای؟ و در کجا آن را خرج کرده‌ای؟ پس گوارای کسی باشد که از راه‌های مشروع آن را بدست آورده است و در راه‌های مشروع آن را خرج کرده است. اگر خرج کردن آن برای خود و خانواده بدون آن که در آن اسراف و خودستایی وجود داشته باشد، باشد، در نتیجه‌ی آن اجر داده می‌شود. این چنین است اگر حق الله تعالی در آن را که همان زکات است، پرداخت نماید و آن، مصرف نمودن آن در امور نیک، صله‌ی رحم و نیکوکاری است. در اینجا است که مال او مال نیکی می‌باشد، و توسط آن برترین منزلت‌ها را بدست می‌آورد و وای بر کسی که آن را از امور حرام و شبه-

دار، مانند ربا، خیانت و معاملات حرام و مکر کردن به مردم و خوردن مال یتیمان یا فقیران بدست بیاورد، سپس آن را در امور حرام مصرف می‌کند، مانند، خریدن آلات لهو یا مواد مست کننده یا مواد مخدر یا سفر کردن به سرزمین‌های کفر یا سرزمین‌هایی که در آن چیزی جز تبعیت از هوای نفس و شیطان و انجام کارهای حرام وجود ندارد، یا آن که در استفاده از مال آن را اسراف و تبذیر می‌نماید و این افراد برادران شیطانها هستند: ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ [الإسراء: ۲۷] (اسراف کنندگان برادران شیطانها هستند).

ای بنده‌ی الله تعالی از الله تقوا پیشه کن و بدان که از تو درباره‌ی مالت سوال خواهد شد که آن را از کجا بدست آورده‌ای و در کجا خرج نموده‌ای، در نتیجه برای جواب سوال، خودت را آماده کن و جوابی نیکو برای آن انتخاب کن!

به آن کسانی که در خودداری از خوردن حرام کوتاهی می‌کنند، [می‌گوییم:] اثرهای وخیم و فسادهای بزرگی که در نتیجه‌ی آن به فرد و اجتماع می‌رسد و باعث هلاکت در دنیا و آخرت می‌شود را ببینید! شاید این باعث شود تا از خوردن چیزهای غیر حلال و گرفتار شدن در اموری که شبهه‌دار است خودداری کنید. کوشش مسلمان باید بدست آوردن حلال باشد، و نه بدست آوردن مال و باید از گروهی که پیامبر ﷺ حال آنها را بیان داشته است نباشد، آنجا که فرموده است: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبَالِي الْمَرْءُ مَا أَخَذَ مِنْهُ، أَمِنَ الْحَلَالَ أَمْ مِنَ الْحَرَامِ» (زمانی برای مردم می‌آید که شخص توجه‌ای ندارد [که مال خود را] از کجا آورده است از راه حلال یا از راه حرام). [بخاری (بخارایی) آن را روایت نموده است]. این دلیلی بر ضعف امانت‌داری و ضعیف بودن دینداری می‌باشد.

نتایج مراهم خواری

۱- از بین رفتن برکت:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ﴾ [البقره: ۲۷۶] (الله درآمد ربا را از بین می‌برد و صدقه‌ها را زیاد می‌نماید)، پیامبر ﷺ فرموده است: «الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا، فَإِنْ صَدَقَا وَبَيْنَا بُورِكَ لِهَمَّا فِي بَيْعِهِمَا، وَإِنْ كَذَبَا وَكُتِمَا مُحِقَّتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا» (فروشنده و خریدار تا زمانی که جدا نشده‌اند، حق فسخ معامله دارند، اگر راست بگویند و [عیب جنس] را بیان دارند، در خرید و فروش آنها برکت قرار می‌گیرد و اگر دروغ بگویند و [عیب را] بپوشانند، برکت از خرید و فروش آنها از بین می‌رود) [بخاری (بخارایی) و نسائی آن را روایت کرده‌اند].

برادرم به عاقبت دروغ‌گویی و بدست آوردن مال حرام از طریق رباخواری یا خیانت یا دیگر موارد، بنگر! که آنها از بین برنده‌ی برکت می‌باشند؛ کسی که خیانت کند و عیب

کالای خود را بیوشاند، مجازات او بیشتر می‌شود و این بر خلاف هدف او است و آن از بین رفتن برکت مالی است که او بدست آورده است، حتی اگر به ظاهر آن مال زیاد شده باشد، ولی در آن برکت وجود نخواهد داشت یا آن که هلاکت یا آفت یا مریضی یا اتفاقی برای او می‌افتد که باعث از بین رفتن این مال می‌شود و اگر راست بگویند و عیب کالای خود را بیان دارد و برای برادر مسلمان خود خیرخواهی کند، سود کالای او کم می‌شود، ولی الله تعالی در آن مال برای او برکت قرار می‌دهد و این در حالی است که امروزه بیشتر مردم از کم بودن برکت با وجود زیادی مال شکایت می‌کنند.

پیامبر ﷺ فرموده است: «الحلف منفقة للسلعة ممحقة

للبركة» (قسم خوردن سود کالا را زیاد می‌کند [ولی] برکت [آن را] از بین می‌برد) [بخاری (بخارایی) آن را روایت کرده است]، منظور از قسم خوردن، قسم خوردن در خرید و فروش است و با آن که سود کالا را زیاد می‌کند، جایز

نمی باشد؛ به این معنا که کالا با قیمت بیشتری فروش می رود، ولی برکت و فایده ای در آن وجود ندارد؟!

امروزه چه بسیار هستند، تاجرانی که زیر بار قرض بسیار می باشند و آن دلیلی ندارد، جز انجام معامله ی حرام و مخصوصاً ربا خواری. الله تعالی ما را از آن و از هر حرامی حفظ نماید!

۲- عدم مستجاب شدن دعا:

پیامبر ﷺ به سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه فرموده است: «یا سعد، أظب مطعمک تستجب دعوتک» (ای سعد! غذای خودت را پاک کن! در نتیجه ی آن دعایت مستجاب می شود) [طبرانی آن را روایت کرده است]، همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «وقد ذکر الرجل یطیل السفر أشعث أغبر یمد یدیه إلی السماء: یا رب، یا رب، ومطعمه حرام، ومشربه حرام، وملبسه حرام، وغذی بالحرام، فأنی یتستجاب لذلک؟!» (مردی یاد شده است که سفر او طولانی می شود و ژولیده موی و غبار آلود بود،

دستانش را به سوی آسمان بلند می‌کند [او می‌گوید: ای پروردگار! ای پروردگار! و این در حالی است که خوراکی او حرام است و لباسش حرام است و با حرام خورانده شده است، پس چگونه دعای او مستجاب می‌شود؟] مسلم آن را روایت کرده است.

ای کسی که الله تعالی تو را مورد رحمت خود قرار دهد، بنگر که چگونه حرام باعث عدم مستجاب شدن دعا می‌شود و وقتی انسان مکر می‌کند، چگونه سبب‌های آسمانی قطع می‌شود، شخص دست خود را به سوی آسمان بلند می‌کند و این در حالی است که او بیمار است و برای بیماری‌اش درمان طلب می‌نماید و یا در مشکلاتی قرار دارد و امید دارد که در آنها برای وی گشایش ایجاد شود، او به شدت کوشش می‌کند تا مشکلش بر طرف شود. با زاری دست خود را به سوی پروردگارش بالا می‌برد و می‌خواهد تا مشکل او را بر طرف نماید و برای او گشایش ایجاد نماید و این در حالی است که به خاطر خوردن حرام دربهای

آسمان برای او بسته می‌باشند، پس چگونه دعای او مستجاب می‌شود؟ اگر ضرری جز این برای خوردن حرام وجود نداشت، بزرگترین دلیل بود تا از خوردن حرام خودداری صورت گیرد. پس خوراکی خودتان را حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود و با حرام دربهای آسمان بسته نشوند. تو به پروردگارت نیازمند می‌باشی و به او احتیاج داری و بی‌نیازی برای تو نسبت به وی وجود ندارد. شاعر گفته است:

نحن ندعو إلاّ له فی کل کرب

ما الله را در هر سختی به

دعایی می‌خوانیم

ثم ننسأه عند کشف الکروب

سپس هنگام برطرف شدن

سختی او را فراموش می‌نماییم

فکیف نرجو إجابة الدعاء

پس چگونه امید به استجابت

دعا داریم

قد سدنا طريقها بالذنوب

وقتی راه آن را با گناهان

می بندیم

۳- مانع قبول شدن صدقه، حج و عمره و هر چیزی که در

آن مال حرام می باشد، می شود:

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا

طَيِّبًا...» (الله پاک است و جز پاکی را قبول نمی نماید...)

امسلم آن را روایت کرده است.]

در حدیثی دیگر آمده است: «إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ حَاجًّا

بِنَفَقَةٍ طَيِّبَةٍ وَوَضَعَ رِجْلَهُ فِي الْفَرْزِ فَنَادَى لَبِيكَ اللَّهُمَّ

لَبِيكَ، نَادَاهُ مَنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ: لَبِيكَ وَسَعْدِيكَ، زَادَكَ

حَلَالٌ وَرَاحِلَتَكَ حَلَالٌ وَحُجَّكَ مَبْرُورٌ غَيْرُ مَأْزُورٍ. وَإِذَا

خَرَجَ بِنَفَقَةٍ خَبِيثَةٍ فَوَضَعَ رِجْلَهُ فِي الْفَرْزِ فَنَادَى لَبِيكَ

اللهم لبیک، ناداه مناد من السماء: لا لبیک ولا سعدیک، زادک حرام ونفقتک حرام، وحجک غیر مبرور» (وقتی بنده‌ای برای حج با درآمد حلال خارج می‌شود و پایش را بر روی زمین قرار داده و ندا می‌دهد: «لبیک اللهم لبیک» (تو را اجابت می‌کند یا الله! تو را اجابت می‌کنم) منادایی از آسمان ندا می‌دهد: تو را اجابت می‌کنم و به سوی یاری دادن تو شتاب می‌کنم، توشه‌ات حلال است، سواری‌ات حلال است و حج تو قبول شده و دروغین نمی‌باشد. ولی اگر با درآمد ناپاک خارج شود و پایش را بر روی زمین قرار داده و بگوید: «لبیک اللهم لبیک»، منادایی از آسمان ندا می‌دهد: تو را اجابت نمی‌کنم و به کمک تو نمی‌شتابم، توشه‌ات حرام است، خرج نمودنت حرام است و حج تو قبول شده نمی‌باشد) اطبرانی آن را روایت کرده است]، در مسند آمده است: «لا یکتسب عبد مالاً من حرام فینفق منه فیبارک له فیه، ولا یتصدق به فیتقبل منه، ولا یتزکک خلف ظهره إلا کان زاده إلى النار، إن

الله لا يمحو السيئ بالسيئ ولكن يمحو السيء
بالحسن، إن الخبيث لا يمحو الخبيث» (بنده‌ای نیست
که مال حرامی را کسب کند و آن را خرج نماید، مگر آن که
در آن برای او برکت قرار داده نمی‌شود و با آن صدقه
نمی‌دهد، مگر آن که از وی قبول نمی‌شود و آن را برای
وارثان نمی‌گذارد، مگر آن که توشه‌ی او برای آتش جهنم
می‌شود. الله [تعالی] بدی را با بدی محو نمی‌کند، ولی بدی
را با خوبی محو می‌نماید و ناپاک ناپاکی را پاک نمی‌کند)
[امام أحمد آن را روایت کرده است].

عجیب اینجاست که از مردم کسانی هستند که در
معامله‌های حرام می‌کوشند، ولی با این وجود، آنها صدقه
می‌دهند و مال خود را در کارهای خیر، مانند ساختن
مساجد و دیگر چیزها خرج می‌کنند و با آن حج و عمره بجا
می‌آورند و این در حالی است که می‌پندارند، از آنها قبول
می‌شود و این صدقات بدی‌های خوردن حرام را از بین
می‌برند. آنها نمی‌دانند که با این کار خود را گرفتار حرام

نموده‌اند و صدقه دادن آنها قبول نمی‌شود؛ زیرا آن پاک نمی‌باشد و الله تعالی غیر از پاک را قبول نمی‌نماید.

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما گفته است: «جلوگیری از شخص دزدی که درآمد حرام داشته باشد، بهتر از صد هزار انفاق فی سبیل الله می‌باشد».

عبد الله بن مبارک رحمه الله گفته است: «اگر درهمی که با شک از حرام بودن به من برسد را رد نمایم برایم محبوبتر از ششصد هزار صدقه دادن آن است».

۴ - فاسد شدن قلب:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَلَا إِنَّ فِي الْجَسَدِ مَضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ» (آگاه باشید که در بدن تکه گوشتی است که اگر اصلاح شود، تمامی بدن اصلاح می‌شود و اگر فاسد شود، تمامی بدن فاسد می‌گردد) [متفق علیه].

ابن حجر رحمه الله گفته است: «در آن هشدار بزرگ برای منزلت قلب وجود دارد و تشویق به اصلاح کردن

آن می‌نماید و اشاره دارد که کسب پاک بر آن اثر می‌گذارد»
[فتح الباری]. از امام احمد رحمه الله سوال شد: با چه
چیزی قلبها نرم می‌گردد؟ فرمود: با خوردن حلال. [مناقب
الإمام أحمد ص ۲۵۵].

۵- زندگی خوار، با تشویش و با اضطراب می‌گردد:

این برای آن است که صبح و شام از الله تعالی
نافرمانی صورت می‌گیرد، لباسی که می‌پوشد، حرام است و
محل سکونتش حرام است و خوردنی و آشامیدنی‌اش حرام
است و دعای او مستجاب نمی‌شود و قلب او با خوردن حرام
فاسد می‌گردد و او در این هنگام دارای ترس و نگرانی است
و می‌ترسد که امر او آشکار گردد و دزدی‌ها و اختلاسهای
وی شناخته شود، پس چگونه از این حالت خلاصی می‌یابد
و به آرامش می‌رسد؟ این مجازات برای کسی که حرفه‌ای
فریبنده دارد و به مردم مکر می‌کند و مال آنها را می‌خورد،
بیشتر می‌شود، او را در حالتی می‌بینید که در روز با ذلت
زندگی می‌کند و در شب دارای مشکلات می‌باشد. از خانه‌ای

به خانه‌ی دیگر می‌رود و از محله‌ای به محله‌ی دیگر نقل مکان می‌کند. وقتی خانه و محله‌ی خود را یافت، وقتی صدای زنگ تلفن او به صدا در می‌آید، می‌ترسد و وقتی درب منزل او را کسی می‌زند، به هراس می‌افتد، ﴿يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ﴾ [المنافقون: ۴] (می‌پندارند که هر فریادی بر علیه آنان است).

برکتی از طرف الله تعالی برای مالی که باعث ذلالت می‌شود و تجارتی که مجازات آن غم و اندوه است، وجود ندارد.

۶- وعید دادن به عذاب سخت در روز قیامت:

این از نتایج دیگر و مصیبتی از مصیبت‌هایی است که برای خوردن مال حرام حاصل می‌شود، کسی که حرام خواری می‌کند، برای او غم و اندوه، فساد قلب و عدم استجابت دعا وجود دارد، به همراه این که او به آتش سرکش وعید داده می‌شود، آتشی که کسی داخل آن نمی‌شود، مگر شقی‌ترین انسانها.

الله تعالی می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ [النساء: ۱۰] (کسانی که از روی ظلم مالهای یتیمان را می خورند، فقط در شکمهایشان آتش وارد می کنند و در آتش داخل می شوند). همچنین می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۵] (کسانی که ربا می خورند، [در روز قیامت] بلند نمی شوند، مگر به مانند کسی که شیطان از طریق مس در بدن او داخل شده است و او را کتک می زند، این برای آن است که می گفتند: ربا مانند خرید و فروش است و الله [متعال] خرید و فروش را حلال نموده است و ربا را حرام کرده است، کسی که [در این مورد] پندی از طرف پروردگارش به او رسید، و از آن دست

کشید، آنچه در گذشته به او رسیده است، مال اوست و امر او به الله [متعال] باز می‌گردد و کسی که آن را تکرار کند، پس آنان همنشینان آتش جهنم خواهند بود و در آن جاودان می‌مانند).

در حدیث آمده است: «أَيُّمَا لَحْمٍ نَبِتَ مِنْ سُحْتٍ فَالْنَّارُ أُولَى بِهِ» (گوشتی که از راه حرام تشکیل یافته است، آتش جهنم برای آن سزاوارتر است) [طبرانی].

پس چگونه برای عاقل شایسته است که نزدیک را به دور ترجیح دهد و چند تومانی را به بهشتی ترجیح دهد که عرض آن به اندازه‌ی آسمانها و زمین است و برای جهنم خود هیزمهایی را جمع کند. پناه بر الله.

وقتی دوستدار دنیا، دنیا و فتنه‌ی هوای او، او را کور می‌کنند و شیطانهای انسی و جنی او را در شرّ قرار می‌دهند، نتیجه آن می‌شود که شخص بنده‌ی درهم و دینار می‌شود.

نگونسار باد بنده‌ی درهم و دینار! این در حالی است

که این بیچاره در روز قیامت دوست دارد که تمامی آنچه بر روی زمین است را بدهد، تا از عذاب نجات پیدا کند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ﴾ [المعارج: ۱۱-۱۴] (مجرم دوست تا برای نجات پیدا کردن از عذاب در آن روز فرزندش را فدا کند * و [همچنین] همسرش و برادرش را * و [همچنین] قبیله‌اش را که از وی حمایت می‌کنند * و تمامی کسانی که بر روی زمین هستند، تا نجات داده شود). قسم به الله، اگر مسلمان فقیرانه زندگی کند، تکه نان و خیمه‌ای پشمی برای او کافی خواهد بود و با عزت، گرمای بودن، با آرامش و اطمینان خاطر زندگی می‌کند و دعای او مستجاب می‌شود و عمل او قبول می‌شود و از آتش دارای زبانه، نجات می‌یابد و این برایش محبوبتر، باعزت‌تر و با شرافت‌تر از آن است که در قصر زندگی کند و خوراک او از انواع خوراکی‌های حرام باشد و فاخرترین لباسها را بپوشد و

بهترین سواری ها را سوار شود، در حالی که او در ذلت و مشکلات باشد و دعایش استجاب نشود و عمل او بالا نرود و به آتشی زبانه دار وعید داده شود. ولی عقلهای سالم و قلبهای با بصیرت کجا هستند؟ کسانی که آنها آنچه نزد الله تعالی از زیادی نعمت و گرمی داشت را بر شهوت های دنیوی و هیزم فانی آن انتخاب می کنند؟!

**تربس پیشینیان و برمذر داشتن آنها از خوردن چیزهای
مراهم، حتی اگر در مراهم بودن آنها شک وجود داشته
باشد:**

۱- رسول الله ﷺ:

او الگوی انسانها و عالمترین آنها در نتایج امور حلال و حرام می باشد، نگریسته شود که چگونه از چیزی که حرام بودن آن شبهه دار است، می ترسید! این در حالی است که گناهان قبل و بعد او بخشیده شده است. عمرو بن شعیب از پدرش از پدر بزرگش آورده اند که پیامبر ﷺ شبی قی نمود و

یکی از زنانش گفت: ای رسول الله! امشب قی نمودی! فرمود: «إِنِّي كُنْتُ أَصَبْتُ تَمْرَةً تَحْتَ جَنْبِي فَأَكَلْتُهَا، وَكَانَ عِنْدَنَا مِنْ تَمْرِ الصَّدَقَةِ فَخَشِيتُ أَنْ تَكُونَ مِنْهُ» (خرمایی در کنار خودم یافتم و آن را خوردم و در کنار آن خرماهای صدقه داده شده وجود داشت و من ترسیدم که از آنها باشد) [أحمد]. الله أكبر، رسول الله شب را به صبح می‌رساند و اضطراب داشت؛ زیرا او خرمایی که در کنار رختخوابش بود را خورده بود و چون متوجه نبود که آن از خرمای صدقه - خوردن صدقه برای او و آلش حرام بود - بود، آن را قی نمود و شب را به صبح رساند، پس در برابر این حدیث کجایند کسانی که صبح و شام در حرام هستند و حرام خواری می‌کنند؟ ولی کسی که شناخت او از الله تعالی بیشتر باشد، ترس او نیز بیشتر می‌شود.

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنِّي لَأَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِي فَأَجِدُ التَّمْرَةَ سَاقِطَةً عَلَى فَرَاشِي فَأَرْفَعُهَا لِأَكْلِهَا ثُمَّ أَخْشَى أَنْ تَكُونَ صَدَقَةً فَأَلْقِيهَا» (من به نزد اهلیم بازگشتم و خرمایی

را دیدم که بر رختخوابم افتاده بود، آن را بلند نمودم تا بخورم، سپس از ترس آن که از مال صدقه باشد، آن را انداختم [متفق علیه].

در نتیجه مسلمان نباید در خوردن حرام آسانگیر باشد، چه آن مال زیاد باشد و چه کم.

۲- أبو بکر صدیق رضی الله عنه:

جوانی برای او غذا می آورد و او آن را نمی خورد، مگر آن که سوال نماید که آن را از کجا آورده است، روزی برای او غذا آورد و ابوبکر رضی الله عنه فراموش نمود تا از او درباره ی آن بپرسد، وقتی آن را خورد، از او سوال نمود، جوان گفت: من در زمان جاهلیت برای مردی کهانت می کردم و کهانت من درست نبود و امروز او را دیدم و پاداش مرا با دادن این غذا به من داد، ابوبکر رضی الله عنه دستش را در دهانش قرار داد و شروع به قی نمودن کرد. [بخاری (بخارایی) آن را روایت کرده است].

الله تعالی از ابوبکر راضی بود ولی با این وجود با آن

که او عذر داشت و راه بدست آوردن این غذا را نمی‌دانست، این عمل را انجام داد و شناخت او از نتیجه‌ی مال حرام باعث شد که او به باقی ماندن لقمه‌ی حرام در شکمش راضی نشود، الله تعالی از او راضی باشد.

۳- سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه:

می‌گفت: «لقمه‌ای را به سوی دهانم بلند نکرده‌ام، مگر آن که می‌دانسته‌ام که آن از کجا آمده است و از کجا خارج شده است» [جامع العلوم والحکم جزء ۱ ص ۲۷۵].

۴- وهب بن منبه رضی الله عنه:

وی رحمه الله گفته است: «کسی که دوست دارد الله [تعالی] دعای او را مستجاب کند، پس غذایش را پاک گرداند» [جامع العلوم والحکم ۱/۲۷۵].

۵- وهیب بن الورد:

وی رحمه الله گفته است: «اگر به مانند این ستون بایستی، چیزی به تو سود نمی‌دهد، مگر آن که بنگری، آنچه داخل شکمت می‌شود، حلال است یا حرام» [جامع العلوم والحکم ۱/۲۶۳].

اینها فقط برای مثال بیان شد و تعداد کمی در برابر مقدار زیادی [از این سخنان] می‌باشد و قطرات کمی در برابر سیلاب می‌باشد. پیشینیان خود را از خوردن حرام حفظ نمی‌کردند، مگر برای آن که آنها به نتایج بد آن در دنیا و آخرت، آگاه بودند.

پس بر هر مؤمنی واجب است که خود را از آن حفظ کند؛ بلکه باید از چیزهایی که در حرام بودن آنها شک وجود دارد نیز خودداری نماید. همان گونه که پیامبر ﷺ فرموده است: «**من اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه وعرضه، ومن وقع فى الشبهات وقع فى الحرام...**» (کسی که خود را از [حرام‌های] شبهه‌دار حفظ نماید، دینش و ناموسش را حفظ نموده است و کسی که به شبهه‌ها گرفتار شود، گرفتار حرام می‌شود...) [از نعمان بن بشیر رضی الله عنه در صحیحین آمده است].

این همان حقیقت تقواست. عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه گفته است: «تقوا، روزه‌ی روز و نماز شب و پُر کردن بین آنها نمی‌باشد، بلکه تقوای از الله تعالی، ترک آن چیزی است که الله [تعالی] حرام نموده است و انجام آنچه الله [تعالی]

واجب کرده است و کسی بعد از آن خیر به او روزی داده شود، آن خیری به سوی خیر است» [جامع العلوم والحکم ۴۰/۱].

* * * *

تأویل نمودن و کلاه شرعی برای خوردن مراهم

بعضی از مردم برای خودشان کلاه شرعی درست می‌کنند و خوردن مال حرام را نیکو می‌گردانند، یا آن که به حيله و مکر متوسل می‌شوند، سپس برای خودشان فتوا می‌دهند و خوردن مال را جایز می‌کنند؛ هوای نفس او و نفسی که به بدی امر می‌کند، آن را برای او مهیا می‌سازند که باعث می‌شوند که او در برابر دوست داشتن دنیا کور شود و حق را نبیند. این نیکو گرداندن‌ها و تأویل نمودن‌ها و کلاه شرعی‌ها از عمل یهودیان است که از راه‌های مختلف و منحرف آنچه را که الله تعالی حرام نموده است، حلال می‌کنند. پیامبر ﷺ فرموده است: «قاتل الله الیهود، لما

حرم الله عليهم شحومهما جملوها ثم باعوها فأكلوها»
(الله، یهودیان را نابود فرماید! زیرا وقتی که چربی برای آنان، حرام شد، آنها ذوب کردند و فروختند و از مال آن، استفاده کردند). [بخاری (بخارایی)]، عمل یهودیان و نحوه‌ی حلال کردن آنچه الله تعالی برای آنها حرام نموده بود را ببینید! وقتی الله تعالی بر آنان چربی گوشت را حرام نمود، آن را ذوب نمودند و فروختند و از پول آن خوردند. امروزه این چنین است وضعیت بسیاری از کسانی که در برابر خوراکی‌های حرام این کار را انجام می‌دهند، با کلاه شرعی و پاک نمودن و خیالبافی‌هایی که آنها را ذره‌ای از الله تعالی بی‌نیاز نمی‌گرداند، [خودشان را راضی می‌کنند].

این موارد بسیار می‌باشند، ولی به طور مثال چند عدد از آنها را بیان می‌داریم:

۱- کسانی که درباره‌ی ربا کلاه شرعی می‌گذارند، به این صورت که کالایی را با قیمت بیشتر می‌فروشند، سپس در آن واحد آن را ارزانتر می‌خرند و در یک حال دو قیمت

وجود دارد. گاهی کالایی در ویتترین یا کیسه‌ای وجود دارد و مشتری دست خود را بر آن می‌گذارد و می‌گوید: آن را خریدم، سپس می‌گوید: آن را فروختم و این عین ربا می‌شود و به طور آشکار در قرآن و سنت حرام شده است و همان جنگ با الله تعالی و رسولش ﷺ می‌باشد و این کلاه شرعی فقط پلیدی و گناهی آشکار را به دنبال دارد.

۲- کارمندی که از مراجعان رشوه می‌گیرد و در مقابل کار آنها را آسان می‌کند یا او را جلوتر از کسی می‌اندازد که او سزاوارتر است و نام آن را هدیه می‌گذارد، این همان رشوه دانی است که انجام دهنده‌ی آن به زبان رسول الله ﷺ لعن شده است: «لعن الله الراشي والمرتشی فی الحکم» (الله رشوه دهنده و رشوه گیرنده در حکم را لعنت نماید) [إمام أحمد آن را روایت کرده است].

۳- مأمور خریدی که در موسسات دولتی یا دعوی یا کمک کننده کار می‌کند و در ازای پولی که دریافت می‌کند از مکان تجاری خاصی خرید خود را انجام می‌دهد و این

حرام خواری است و انجام دهنده‌ی آن گناهکار است.

مثالی برای آن این می‌باشد که برای بعضی از مؤسسات خیریه یا دعوی یا کمک رسانی کار می‌کند و کمک کردن تاجران و مؤسسات تجاری را جمع می‌کند و از آنها برای خود هدیه‌ای دریافت می‌کند، و این در حالی است او به حکم آن جهل دارد یا آن که از روی هوای نفس و دوست داشتن آن را قبول می‌کند؛ این حلال نمی‌باشد، بلکه برای او واجب است تا هر چه را که به او می‌دهند و از تاجران آن را دریافت می‌کند، به صورت کامل به آن شرکتی که در آن کار می‌کند، آن را پس دهد، ولی سر خود کلاه می‌گذارد و می‌گوید: این برای من است زیرا در راه جمع آن مالها وقت و کوشش و خودروی خود را استفاده کرده‌ام، می‌باشد؛ این گونه می‌بیند که برای کوششی که می‌کند، جایز است تا آن عطا شده را برای خود بردارد. بلکه باید به او گفته شود: تو این عمل را برای اجر بردن از الله تعالی انجام می‌دهی و اضافه‌تر از آن برای تو جایز نمی‌باشد و اگر

می‌خواهی برای کوششت اجری برداری، باید به مسئولان آن ادارات دعوی یا خیریه که در آن کار می‌کنی بگویی که تو برای آن عمل اجری می‌خواهی و اگر در عمل تو مصلحتی ببینند برای تو حقوقی مقرر شده قرار دهند و آن حقوق تعیین شده برای تو خواهد بود؛ ولی اگر به کارمند بودن خود را معرفی کنی و از آن عطایای جمع شده چیزی برای تو باشد، آن حلال نمی‌باشد و جایز نیست. برای آن ماجرای «ابن اللتبیة» بیان می‌داریم، که دلیلی واضح در آن وجود دارد.

در مسند امام احمد رحمه الله آمده است: «پیامبر ﷺ مردی از ازد را برای جمع آوری صدقه، استخدام نمود که به او گفته می‌شد: «ابن اللتبیة». او آمد و گفت: این برای شماست و این به من هدیه داده شده است، رسول الله ﷺ از منبر بلند شد و فرمود: «ما بال عامل نبعثه فیجیء فیقول هذا لکم وهذا أهدي لی، أفلا جلس فی بیت أبيه وأمه فينظر أيهدى إليه أم لا؟ والذي نفس محمد

بيده لا يأتى أحد منكم منها بشيء إلا جاء يوم القيامة على رقبته إن كان بغيراً له رغاء أو بقرة لها خوار أو شاة تيعر - ثم رفع يديه حتى رأينا عفرة إبطيه ثم قال: اللهم هل بلغت - ثلاثاً» (کارمند ما را چه شده است که او را فرستاده‌ایم و آمده است و می‌گوید: این برای شماست و این به من هدیه شده است. آیا در خانه پدرش یا مادرش نشسته بوده است و بنگرد که به او هدیه داده می‌شود یا خیر؟ قسم به کسی که جان محمد در دست اوست، کسی از شما این گونه نمی‌آید، مگر آن که در حالتی در روز قیامت می‌آید که بر روی گردنش شتری است که سرو صدا می‌کند یا گاو است که صدا در می‌آورد و یا گوسفندی است که بع بع می‌کند - سپس دستش را بلند نمود تا آن که سفیدی زیر بغل او را دیدیم - سپس فرمود: «یا الله! آیا رساندم؟». این را سه بار تکرار نمود).

در حدیثی دیگر فرموده است: «هدایا العمال غلول» (هدیه‌هایی که کارگزاران دریافت می‌کنند، دزدی است)

[أحمد].

از این افراد، کسی است که برای شفاعتش هدیه قبول می‌کند؛ به مانند کسی که برای انسان در امر مباحی شفاعت می‌کند؛ این شفاعت نیکو است و پیامبر ﷺ درباره‌ی آن فرموده است: «**اشفعوا تؤجروا، ويقضى الله على لسان نبیه ما أحب**» (شفاعت کنید تا اجر ببرید، الله [تعالی] بر زبان رسولش هر چه را دوست داشته باشد، جاری می‌نماید) [متفق علیه].

ولی جایز نمی‌باشد تا انسان در مقابل این شفاعت، چیزی را دریافت نماید، پیامبر ﷺ فرموده است: «**مَنْ شَفَعَ لأحد شفاعَةً فأهدى له هدیةً علیها فقبلها منه فقد أتى بابًا عظیمًا من أبواب الربا**» (کسی که برای کسی شفاعت نماید و در مقابل آن، او به وی هدیه دهد و او آن را قبول کند به درب بزرگی از دربهای ربا گرفتار شده است) [أحمد].

این با این امر فرق می‌کند که کسی شخصی را استخدام نماید و به او مال معین شده‌ای را بدهد تا برای او

معامله کند و به دنبال آن برود و حق وکالت خود را بگیرد و در این امر ایرادی وجود ندارد و نباید بین شفاعت کردن و استخدام شدن اشتباه شود.

۴- بعضی از کسانی که صدقه و زکات از تاجران جمع آوری می‌کنند، به دو حالت قسمتی از آن را برای خود بر می‌دارند: حالت اول: می‌گویند: من فقیر هستم و مستحق این صدقه می‌باشم و من به مانند آن کسانی هستم که صدقه به آنها داده می‌شود و این جایز نمی‌باشد؛ زیرا او صدقه را برای فقیران گرفته است و آن را برای خودش نگرفته است و اگر فقیر و مستحق می‌باشد، باید آن را به صاحب صدقه بگوید و او نیز مالی برای وی قرار دهد، هرچه که بخواهد و شخص از طرف خودش نباید آن را برای خود بردارد.

حالت دوم این است که آن را برای خود نیکو می‌گرداند و می‌گوید: الله جل و علا برای کارمندان صدقه جمع کننده بهره‌ای از آن را قرار داده است و من از

کارمندان آن هستیم؛ ولی اشتباه او این است که برای کارمندان صدقه گیرنده صاحب امری وجود دارد و مقدار حقوق آنها را، او تنظیم می‌کند و او کسی است که برای ثواب بردن از الله تعالی آن کار را انجام می‌دهد و جایز نمی‌باشد تا از آن صدقه برای خود بردارد و او از کارمندان آن نمی‌باشد.

۵- بعضی از کسانی که در مؤسسات خیریه کار می‌کنند، از مسئولان آن مالی را دریافت می‌کنند و وقتی از آن سوال می‌شود، این برای چه است؟ می‌گویند: آن را گرفتم تا به فقیران بدهم که به این مؤسسه دسترسی ندارند. بر فرض آن که این سخن آنها درست و صادقانه باشد، این امر جایز نمی‌باشد، و بر او واجب است تا آن مال را حفظ نماید و بر حسب قانون آن مؤسسه و زیر نظر مسئولان آن، آن را بین فقراء تقسیم نماید و در این حالت است که دین و ناموس خود را حفظ کرده است. باید بداند که الله تعالی پاک است و جز پاکی را قبول نمی‌کند و

اختلاس از آن مؤسسه عملی غیر پاک است و الله تعالی آن را قبول نمی‌کند. حسن بصری رحمه الله گفته است: «ای کسی که به فقیر صدقه می‌دهی و به او مهربانی می‌کنی، به کسی رحم کن که به او ظلم نموده‌ای». [جامع العلوم والحکم ۱/۲۶۴]؛ در واقع به این معنا که به خودت رحم کن! مال را از روی ظلم و غیر حلال گرفته‌ای و آن را به فقراء می‌دهی. از قدیم گفته شده است:

ومطعمة الأیتام من کد

لک الویل لا تزنی ولا

۶- کارمندی که مسئولی در چیزی در دولت به صورت مادی و معنوی می‌باشد، برای خودش چیزی را از آن بر می‌دارد؛ و این را برای خود این گونه آراسته می‌نماید که این از بیت المال مسلمانان است و برای او در آن حقی وجود دارد. این مکر ابلیس و از طرف هوای نفس و نفس امر کننده به بدی می‌باشد و باید بداند که او کارمند است و آن چیزهایی که در دست اوست، امانتهایی است که به او امانت

داده شده است و اگر از آن چیزی را بردارد، او خیانت در امانت نموده است و این از غلول است که الله تعالی درباره‌ی آن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۱] (کسی که غلول کند، روز قیامت آنچه را که غلول کرده است، خواهد آورد، سپس به هر کسی آنچه کسب کرده است، به طور کامل داده می‌شود و به آنها ظلم نمی‌شود).

بر شماست که این ماجرای که حرام بودن آن را آشکار می‌نماید و قلبها را می‌کوبد را بشنوید:

در صحیح بخاری (بخارایی) از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما آمده است: مردی که امین اموال رسول الله ﷺ بود و به او «کِرْكَرَة» گفته می‌شد، وفات نمود و رسول الله ﷺ فرمود: «هُوَ فِي النَّارِ» (او در آتش جهنم است) رفتند و به او نگاه کردند و فهمیدند که عبایی از مال غنیمت را دزدیده است.

به این مرد نگریسته شود و خدمت او به پیامبر ﷺ در جهاد، داخل آتش جهنم شد، برای آن که عبایی از مال غنیمت را دزدیده بود، پس ای بندگان الله تعالی از این امر برحذر باشیم! زیرا آن بی‌آبرویی و آتش در دنیا و آخرت می‌باشد. از الله تعالی طلب سلامتی و عافیت می‌نماییم.

۷- بعضی از مردم حُکم قاضی را حجت قرار می‌دهند و حُکم قاضی را مباح کننده‌ای برای این امر می‌دانند، ولی در اصل آن جایز نمی‌باشد؛ او بر قاضی امر را می‌پوشاند و گواهی دروغ می‌دهد و قاضی برای او حکم می‌نماید. آیا او نمی‌داند که حُکم قاضی امر حرامی را بر او حلال نمی‌کند و خوردن مال برادر مسلمان جایز نمی‌باشد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْثِلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقره: ۱۸۸] (و اموال خودتان را بین خودتان به باطل نخورید و آن را به حاکمان رشوه ندهید تا توسط آن قسمتی از اموال مردم را از روی

گناه بخورید، در حالی که می دانید).

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ وَإِنَّمَا يَأْتِينِي
الْخَصْمُ فَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ الْحَنُّ بِحِجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ
فَأَقْضَى لَهُ، فَمَنْ قَضَيْتَ لَهُ بِحَقِّ مُسْلِمٍ فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ
مِنْ نَارٍ فَلْيَحْمِلْهَا أَوْ لِيَذْرِهَا» (من هم بشری هستم (مانند
شما). هرگاه، برای حل خصومتی نزد من می آید، ممکن
است یکی از شما در نطق، ماهرتر باشد و من به خیال این
که راست می گوید، به نفع او قضاوت بکنم. پس هر کسی که
من حق مسلمانی را (این گونه) به او بدهم، در واقع قطعه ای
از آتش را به او داده ام. حال او آزاد است که آن را بگیرد یا
رها کند) [متفق علیه].

قاضی وقتی اجتهاد می کند، اگر در اجتهاد درست اجتهاد
کند، برای او دو اجر خواهد بود و اگر در اجتهاد خطا کند برای او یک
اجر خواهد بود و خطای او بخشیده می شود، ولی کسی که امر را
می پوشاند و با زبان آوری سخن خود را اثبات می کند و باطل را زینت
داده و درست معرفی می کند، برای سخنش و برای حکم گرفتارش

امورد مجازات قرار می‌گیرد] و نباید با نیرنگ دلیل ضعیف خود را
موجه سازد، شاعر گفته است:

فی زخرف القول تزیین

والحق قد يعتریه سوء

این فرد به شکلی آشکار گناهکار است زیرا حق و
باطل را مخفی داشته است و گواهی دروغ داده است و به
دنبال حکم رفتنش عملی شیطانی است و این در حالی
است که او خود را در این امر زرنگ می‌بیند و کاری که
انجام داده است را جایز می‌داند؛ تا آنجا که بعضی آن را
تیزهوشی، زرنگی، شجاعت و غلبه یافتن بر رقیب می‌دانند و
این الله تعالی است که حکمها به سوی وی می‌باشد، ﴿إِنَّكَ
مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ
تَخْتَصِمُونَ﴾ [الزمر: ۳۰، ۳۱] (تو می‌میری و آنها می‌میرند
* سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان کشمکش
می‌نمایید).

این مثالها، تمام چیزی نیست که وجود دارد؛ بلکه

بسیاری از این مثالها وجود دارد که دارای کلاه شرعی و پسندیده نشان دادن و تأویلاتی است که کسانی که دارای ضعف ایمان می‌باشند و با دنیای فانی دچار فتنه شده‌اند، با آن، آنچه را که الله تعالی حرام نموده است را حلال می‌کنند و از سنتهای اشخاص قبل از خود شامل یهودیان و مسیحیان تبعیت می‌کنند، ولی آنها باید بدانند که در پیشگاه کسی حاضر می‌شوند که امری از او مخفی نمی‌ماند، ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ [غافر: ۱۹] (چشمهای خائن را می‌شناسد و آنچه سینه‌ها مخفی می‌دارند [را می‌داند]).

اگر بتوانند آن را در دنیا از مردم مخفی می‌دارند، ولی ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ [المجادله: ۱۸] (روزی که الله [تعالی] تمامی آنها را مبعوث می‌دارد، برای او قسم می‌خورند، همان گونه که [در دنیا] برای شما قسم می‌خورند و می‌پندارند که آنها بر چیزی هستند، آگاه باشید که آنها دروغگویان هستند).

پگونه می‌توان از مال مراه رامت شد

و به سوی الله ﷻ توبه نمود؟

آنچه معلوم است این است که اگر توبه از گناهی صورت گیرد که بین بنده و پروردگارش باشد، دارای سه شرط است: باز ایستادن از گناه، پشیمانی از آنچه انجام شده است و اراده نمودن برای بازگشت ننمودن به گناه؛ ولی اگر گناه درباره‌ی حقوق مردم باشد، گریزی نیست که بجز این سه شرط، شرط چهارمی نیز وجود دارد و آن بازگشت دادن حق به صاحب آن و حلالیت طلبیدن از وی است، اگر آن غیر مادی باشد؛ بنابراین جایز نمی‌باشد که توبه کننده از گناه خوردن مال مردم به این سه شرط اکتفا کند و مال حرام در نزد او باقی بماند؛ بلکه باید از آن رها شود و اگر مال دیگری در نزد او است، الله تعالی راه توبه از آن را بیان نموده است، الله جل و علا می‌فرماید:

﴿ اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ

فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿البقرة: ۲۷۸، ۲۷۹﴾

(از الله تقوا پیشه کنید و آنچه را ربا باقی مانده است را رها کنید اگر مؤمن هستید * و اگر آن را انجام ندهید [و به رباخواری خود ادامه دهید] اعلان جنگ با الله و رسولش نموده‌اید و اگر توبه نمودید، پس برای شما اصل سرمایه می‌باشد، نه ظلم می‌کنید و نه به شما ظلم می‌شود). اگر آن از روی خیانت، دزدی یا اختلاس و مانند آن باشد، بر او واجب است که حق را به اهل آن برگرداند و اگر آن شخص مرده بود، آن را به وارثانش برگرداند و اگر صاحب آن را نمی‌شناسد و برای شناخت آن کوشش نموده است، ولی نتوانسته است، علماء گفته‌اند که بجای صاحب آن، آن را صدقه دهد و این صدقه دادن برای خودش نمی‌باشد؛ الله تعالی پاک است و جز پاکی را قبول نمی‌فرماید، ولی کسی که از آن راحت شود و اجر آن را برای صاحبش قرار دهد، برای او اجر توبه خواهد بود و اجر راحت شدن از ظلم نمودن و این قبل از آن زمانی انجام گرفته است که

دینار و درهمی سودی نمی‌رساند و در آن هنگام است که از نیکی‌های شخص گرفته می‌شود یا بدی‌های مظلومان به او داده می‌شود. پیامبر ﷺ فرموده است: «أَتَدْرُونَ مِنَ الْمَفْلَسِ؟» (آیا می‌دانید، مفلس چه کسی است؟) گفتند: در بین ما کسی است که درهم و کالایی ندارد. فرمود: «إِنَّ الْمَفْلَسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ وَيَأْتِي وَقَدْ شَتِمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا وَأَكَلَ مَالَ هَذَا وَسَفَكَ دَمَ هَذَا وَضَرَبَ هَذَا فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ؛ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضَى مَا عَلَيْهِ أَخَذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ وَطَرَحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طَرَحَ فِي النَّارِ» (مفلس در بین امت من کسی است که روز قیامت با نماز و روزه و زکات می‌آید و این در حالی است که به کسی دشنام داده است و به دیگری تهمت زده است و مال این یکی را خورده است و خون آن یکی را ریخته است و دیگری را زده است، در نتیجه برای این یکی، از نیکی‌های او گرفته می‌شود و برای آن یکی، از نیکی‌های وی گرفته می‌شود،

وقتی نیکی‌هایش تمام می‌شود، قبل از آن که برایش حکم شود، از خطاهای آنان گرفته می‌شود و به وی داده می‌شود و سپس در آتش جهنم انداخته می‌شود [مسلم].

بنابراین قبل از آن که زمان رهایی از مال حرام تمام شود و آن قبل از رسیدن اجل می‌باشد، باید از آن توبه نمود، و اگر نه توشه‌ای برای گرفتار شدن به آتش جهنم می‌شود.

باید قبل از آن صورت گیرد که صاحبان آن بیایند و از نیکی‌های انسان بگیرند یا آن که بدی‌های خود را به او بدهند، باید از الله تعالی ترسید و تقوا پیشه کرد، ای بندگان الله!

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۱] (و از روزی تقوا پیشه کنید که به سوی الله [متعال] بازگشت داده می‌شود و به هر شخصی آنچه را که کسب کرده است می‌دهند و به آنها ظلم نمی‌شود).

صلی الله و سلم علی محمد و علی آله
و صحبه و سلم.